

ساخت و اعتباریابی آزمون خرد بر اساس مؤلفه‌های ایرانی

فریبا منظمی تبار^۱، رسول کرد نوقابی^۲، خسرو رشید^۳، ابوالقاسم یعقوبی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۷

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت و اعتباریابی آزمون خرد بر اساس مؤلفه‌های ایرانی انجام گرفت. در این پژوهش از روش ترکیبی (کیفی-کمی) از نوع طرح اکتشافی سود برده شد. در مرحله اول (کیفی)، ابتدا با ۲۰ نفر از اساتید علوم انسانی شهر همدان، مصاحبه (نیمه ساختار یافته) انجام شد (روش پژوهش کیفی از نوع پدیدار شناسی بود). روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اشباع نظری بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای آشکار استفاده شد. در مرحله دوم (کمی) براساس کد‌گذاری و تدوین مضامین اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها پرسشنامه‌ای ۴۰ سوالی تدوین شد. سپس براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۰۰ نفر (۲۸۱ نفر زن و ۱۱۹ نفر مرد) در پژوهش شرکت کردند. در این مرحله برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی تاییدی سود برده شد (آزمون بارتلت و KMO و نمودار سنگریزه). همچنین به منظور بررسی روایی سازه آزمون خرد از ضریب همبستگی درونی پرسشنامه و ضریب همبستگی این آزمون با آزمون آردلت، برای روایی محتوایی آزمون خرد از ضریب آلفای کرونباخ و روش دو نیمه کردن و برای پایایی آزمون از روش باز آزمایی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل محتوا در مرحله اول (کیفی) نشان داد که خرد دارای چهار مولفه است: ۱- مؤلفه «شناختی»، ۲- مؤلفه‌ی «عاطفی»، ۳- مؤلفه «انعطاف پذیری و گشودگی به تجربه»، ۴- مؤلفه «از خود فراروی / هدفمندی و جستجوی معنا». همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی (مرحله دوم) چهار عامل را نشان داد؛ عامل اول

۱. دانشجوی دکتری، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

rkordnoghi@gmail.com

۳. دانشیار، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۴. استاد، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

(شامل سوالات ۲-۳-۴-۵-۶-۸-۱۰-۱۴-۱۵-۲۰-۲۱-۳۲-۴۰) با عنوان «بعد عاطفی»، عامل دوم (شامل سوالات ۱-۷-۹-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷-۱۹-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۹-۳۰) با عنوان «بعد شناختی»، عامل سوم (شامل سوالات ۲۶-۲۷-۲۸-۳۵-۳۶-۳۸) با عنوان «بعد انعطاف پذیری» و عامل چهارم (شامل سوالات ۱۱-۱۸-۳۹-۳۷-۳۴-۳۳-۳۱) با عنوان «بعد از خود فرا روی». نتایج پژوهش بیانگر آن است که ساخت آزمون خرد از اعتبار و روایی لازم برخوردار است. براساس نتایج حاصل از پژوهش در دو مرحله کیفی و کمی می‌توان گفت که خرد دارای ۴ مولفه شناختی، عاطفی، گشودگی به تجربه و از خود فراروی است.

واژگان کلیدی: خرد، سنجش خرد، فرهنگ، ایران، روش ترکیبی، تحلیل محتوا.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهش روانشناختی در سال‌های اخیر، درک و سنجش علمی خرد و شناخت عوامل تأثیرگذار بر رشد آن است (استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱). براین اساس در زمینه‌ی درک و تعریف خرد، با وجود تلاش‌های گسترده برای پالایش مفهوم آن، هنوز یک تعریف یکسانی ارائه نشده است (آردلت و او، ۲۰۱۶، بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸). زیرا اولاً مفهوم خرد با ارزش‌ها و اهداف هر جامعه گره خورده است؛ در واقع تجلی عینی خرد وابسته به زمینه‌های خاص بوده بستگی به سطح و سبک درک و فهم افراد دخیل در آن دارد. این پارادوکس می‌تواند چرایی تجلی متفاوت خرد در بین فرهنگ‌ها را تبیین کند (تاکاهاشی، ۲۰۱۲). آردلت (۲۰۱۱) معتقد است به‌رغم دشواری در تعریف خرد، بین پژوهشگران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر اینکه خرد مشتمل بر دانش، تفکر، درک و بینش، تأمل و بازنگری و توجه همزمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران است. اما با وجود این، مفهوم خرد بر اساس فرهنگ در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوت تعریف شده است و نظریه‌پردازان مختلف هر کدام تعریفی متفاوت از خرد ارائه داده‌اند (کردنوقایی، کریمی، دلفان بیرانوند، نظری، ۱۳۹۷). برای نمونه، از نظر آردلت، شخصی خردمند است که کیفیت‌های شناختی، انعکاسی و عاطفی قاطعی داشته باشد (گوگرل^۱ و ریفرت^۲، ۲۰۱۲؛ نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶). براساس این دیدگاه، بعد شناختی توانایی درک دنیا و تمایل برای دانستن حقیقت است، فهم معنای مهم و عمیق پدیده‌ها و رویدادها به‌ویژه در یک نگاه

1. Gugerell
2. Reffert

درون فردی و بین فردی. همچنین بعد شناختی شامل برخورداری از دانشی است درباره جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت انسان و پذیرش آن‌ها و اذعان داشتن به محدودیت ذاتی دانش و پیش‌بینی ناپذیری و عدم قطعیت زندگی» (برگسماو آردلت، ۲۰۱۲، ص ۴۸۴). بعد تأملی پیش‌نیاز بعد شناختی است. رسیدن به درک عمیق‌تر از زندگی تنها از این طریق ممکن است که فرد واقعیت را همان‌طور که هست ببیند و تحریف عمده‌ای در آن ایجاد نکند. برای این کار فرد باید بتواند پدیده‌ها را از چشم‌اندازهای گوناگون ببیند و این باعث رشد خودآگاهی می‌شود به این معنا که بینش فرد را از خودش افزایش می‌دهد. کسی که خود را بشناسد، نقاط ضعف و محدودیت‌های خود را هم درباره تفسیر واقعیت‌ها می‌شناسد، بنابراین درک می‌کند که ممکن است دیدگاه او تنها دیدگاه موجود نباشد و دیگران نظر متفاوتی داشته باشند (آردلت، ۲۰۱۵). بلوک و گلوک (۲۰۰۵) بیان کرده‌اند که خردمندان به شهود خود اعتماد دارند و برای فهم عمیق پدیده‌ها سعی می‌کنند علاوه بر نظر و انگیزه‌های خود، نظر و انگیزه‌های دیگران را هم مورد توجه قرار دهند و آن‌ها را به‌طور کامل بفهمند. منظور آردلت (۲۰۱۲) از بعد عاطفی^۱ وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران و مراقبت از آن‌ها، نبود بی‌تفاوتی و هیجانات منفی نسبت به دیگران و بالاخره داشتن انگیزه برای افزایش رفاه دیگران. استاستادینگر و گلوک (۲۰۱۱) معتقدند که خردمندان به‌جای قضاوت سریع، عجولانه و تصمیمات هیجانی، ترجیح می‌دهند ابتدا درباره مردم، دنیا و خودشان عمیق فکر کنند. یانگ^۲ (۲۰۱۱) بیان می‌کند که خردمندی متشکل از سه مولفه کلیدی انسجام شناختی، عینیت یافتن در عمل و تاثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در دراز مدت برای حفظ مصالح جمعی است. همچنین خرد در این دیدگاه، فرایندی در زندگی واقعی است که دارای سه مولفه یکپارچگی^۳، تجسم^۴، و آثار مثبت^۵ است (یانگ، ۲۰۱۴). پارادایم خرد برلین، خرد را شامل شناخت چگونگی و زمان استفاده از دانش خود و بررسی تصمیم‌گیری‌های گذشته و مشاوره در مورد زندگی فعلی و ایجاد یک برنامه‌ریزی برای آینده می‌داند (بالتس و اسمیت، ۲۰۰۸).

-
1. affective dimension
 2. Yang
 3. Integration
 4. Embodiment
 5. Positive effects

استرنبرگ (۲۰۱۰) خرد را کاربرد هوش، خلاقیت و دانش با وساطت ارزش‌ها برای دستیابی به اهداف خیرخواهانه تعریف می‌کند. بنابراین، به دلیل فقدان خرد کامل، نمی‌توانیم ماهیت آن را کاملاً درک کنیم. اما اگر دانشمندان خواستار درک کامل خرد هستند، باید به سرعت از شغل خویش خارج شوند زیرا درک کامل چیزی است که می‌توانیم تصور کنیم در حال نزدیک شدن به آن هستیم، اما این امر تقریباً هرگز به طور قطعی حاصل نخواهد شد. تشخیص اینکه درک کامل همیشه دور از دسترس ما است خودش نشانه‌ای از خرد است. احتمالاً درست تر این است فرض کنیم که هیچ یک از پژوهشگرانی که سعی در درک و تعریف خرد کرده‌اند کاملاً خردمند نیستند. از اینرو، همه‌ی تلاش‌ها برای توصیف خرد الزاماً ناقص‌اند. اما، با تلفیق دیدگاه‌های متفاوت ناقصمان ممکن است به تعریفی از خرد برسیم که قابل درک‌تر از بینش‌های منفرد به تنهایی باشد. در این راستا، تلاش‌های علمی شبیه به تلاش برای شناخت و درک خرد هستند از طریق نگرستن به پدیده‌ها از دیدگاه‌های متفاوت ما از ذهنیت‌گرایی خویش آگاه می‌شویم و تصویر کامل‌تری از پدیده‌ی مورد بررسی به دست خواهیم آورد (آردلت، ۲۰۱۵). استادینگر و گلوک (۲۰۱۱) جستجو برای دستیابی به بینش را پلی بین شناخت و انگیزش می‌دانند. جستجو برای دستیابی به بینش هم دارای مؤلفه شناختی است و هم مؤلفه انگیزشی. منظور از مؤلفه شناختی این است که فرد سعی می‌کند فعالانه توانایی‌های ذهنی خود را برای درک کامل یک پدیده به کاربرد و منظور از مؤلفه انگیزشی این است که فرد مشتاق چنین عملی است و دستیابی به معناهای عمیق و پنهان موضوعات برایش خوشایند و لذت‌بخش است. از طرف دیگر، براساس نظر یانگ (۲۰۱۴) خرد در زندگی واقعی حداقل در سه شکل خود را نشان می‌دهد: ۱- حل موفقیت‌آمیز مشکلات و چالش‌های زندگی روزمره، ۲- مدیریت کل دوره زندگی به شکلی ارضاکننده و ۳- شکوفا کردن توانایی‌های انسانی برای رشد تمدن بشری. همچنین، مدل تجربه‌های زندگی MORE بیان می‌کند که گشودگی یک جزء بسیار ضروری برای کسب خرد محسوب می‌شود. گشودگی یکی از منابع حیاتی است که به احتمال زیاد در افرادی که در سطوح بالای خرد قرار دارند دیده می‌شود (آردلت، ۲۰۱۱). برای نمونه، یکی از شرکت‌کنندگان در مطالعه گلوک و بلوک (۲۰۱۴) از تجربه‌ای یاد می‌کند که نشان از گشودگی او است: «در آن زمان که چشمش به یک آگهی تبلیغاتی برای کار در

مهدکودک دخترش افتاده بود، در وضعیت مالی سختی قرار داشت. با وجود اینکه او هیچ‌گاه در چنین زمینه‌ای کار نکرده بود ولی بلافاصله به مدیر زنگ زد و وضعیت خودش را با او در جریان گذاشت و با این کار جهت تازه‌ای به زندگی‌اش داد.

در این راستا، بحث درباره ماهیت خرد دارای سابقه گسترده‌ای در میان فیلسوفان، متکلمان، شاعران و نویسندگان است. اما در حدود سه دهه است که مورد توجه روانشناسان، به ویژه روانشناسان پیری‌شناسی و گستره عمر، قرار گرفته است. شاید یکی از دلایل عمده این مطلب کاستی‌های روش علمی برای بررسی ماهیت چند بعدی خردمندی باشد (چندلر و هالیدی، ۱۹۹۰؛ نقل از اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). علاوه بر این، خردمندی کیفیت انسانی نادری است (کونزمان و بالتز، ۲۰۰۳) که به دشواری قابل مفهوم سازی و عملیاتی شدن است و ماهیت پیچیده آن برای مطالعه، پرهزینه و زمان بر است (استرنبرگ، ۲۰۰۴) با وجود چنین موانعی، روان‌شناسان بررسی این سازه چالش‌برانگیز را آغاز کرده‌اند. برای نمونه، پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه خرد انجام گرفته است به لحاظ روش تحقیق به دودسته تقسیم می‌شوند که آن‌ها را اصطلاحاً نظریه‌های ضمنی^۱ و آشکار^۲ خرد می‌نامند. منظور از نظریه‌های ضمنی خرد، دیدگاه‌ها و نظرات مردم عادی در مورد خرد است. خرد، خردمندی و خردمند واژه‌هایی آشنا برای مردم در اغلب فرهنگ‌ها است. این مفهوم، تاریخی طولانی در ادبیات، فلسفه و دین دارد و جزء معدود اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی است که هر فرد معمولی و بدون تحصیلات و مطالعات خاص می‌تواند نظری درباره آن داشته باشد. گلوک و بلوک (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده‌اند که برای درک کامل نظریه‌های ضمنی خرد، بهتر است که آن‌ها در سه سطح مطالعه شوند. اول سطح اجتماعی، یعنی شیوه‌ای که فرهنگ‌ها و جوامع خرد را مورد استفاده قرار می‌دهند. از نظر یک فرهنگ، خردمندان بزرگ در طول تاریخ دور و نزدیک چه کسانی هستند. سطح دوم سطح بین فردی است؛ یعنی افراد، خرد یکدیگر را چگونه ارزیابی می‌کنند. قضاوت فرد در مورد رفتارهای دیگران به لحاظ خردمند بودن یا بی‌خردی در این سطح قرار دارد. مردم وقتی به یکدیگر توصیه‌ها و نصیحت‌های خردمندانه می‌کنند خرد را چگونه ادراک می‌کنند. سوم سطح درون فردی است یعنی شیوه‌ای که افراد رفتارها،

-
1. Implicit theories of wisdom
 2. Explicit theories of wisdom

احساسات و افکار خود را از نظر میزان خرد یا بی‌خردی قضاوت می‌کنند. افراد خود را در حوزه خرد چقدر رشد یافته می‌دانند. همه این سطوح از تعریف و برداشت مردم از خرد نشأت می‌گیرند و بنابراین برای شناسایی و استخراج آن‌ها از پس ذهن افراد از هر سه روش می‌توان استفاده کرد. برای نمونه پژوهش نوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵) در زمینه نظریه‌های ضمنی خرد نشان دادند که پنج مفهوم اصلی را می‌توان از تعریف خرد از نظر مردم به‌عنوان مؤلفه‌های خرد استخراج کرد که عبارت‌اند از: شناخت، همدلی/حمایت، دانش/انعطاف‌پذیری، خودتعیین‌گری/ابراز وجود و دین‌داری. روش‌های پژوهش برای مطالعه نظریه‌های ضمنی خرد شامل: ۱- درجه‌بندی: در این روش از مردم عادی خواسته می‌شود ویژگی‌های افراد خردمند را نام ببرند. چه کسانی را خردمند می‌دانند و چرا معتقد هستند آن‌ها خردمندند بر اساس کدام رفتارها، گفتارها و یا ویژگی‌های شخصیتی این افراد آن‌ها را خردمند می‌دانند؟ ۲- بررسی زندگینامه‌های شخصی: در این روش از افراد خواسته می‌شود در مورد زندگی شخصی خود بگویند. داستان زندگی افراد وقتی توسط خودشان تعریف می‌شود نظریات ضمنی آن‌ها را در مورد اینکه خرد چیست آشکار می‌کند. ۳- نامزدهای خرد: در این روش از مردم خواسته می‌شود خردمندی را که می‌شناسند نام ببرند. از طرفی خرد نیز مانند سایر مفاهیم روان‌شناسی از الگوهای نظری برخوردار است که از پژوهش‌های علمی برخاسته است. این مدل‌های علمی را نظریه‌های آشکار خرد می‌نامند. به تعبیری، نظریات آشکار خرد، دیدگاه‌های روان‌شناسان و افراد حرفه‌ای درباره خرد است. این افراد با مطالعه نظریات موجود، ساخت ابزارهایی برای سنجش خرد مانند پرسشنامه و مصاحبه و استفاده از آزمون‌های آماری برای معنادهی به داده‌های گردآوری‌شده به‌صورت بندی‌های خود از خرد دست می‌یابند مانند: ۱- مقیاس سه‌بعدی خرد (D-WS¹³)، ۲- مقیاس خودارزیابی خرد SAWS²، ۳- مقیاس از خود فراروی بزرگ‌سالان³ ASTI، ۴- مقیاس ارزش‌های بنیادین⁴ FVS (کردنوقابی، ۱۳۹۶: ۸۹-۸۱).

1. Dimensional Wisdom Scale
2. Self-Assessed Wisdom Scale
3. Adult Self-Transcendence Inventory
4. Fundamental Values Scale

با توجه به تعاریف متعدد خردمندی می‌توان نتیجه گرفت که خردمندی مفهومی چند بعدی است که تحت تاثیر جهت‌گیری کلی و البته فرهنگی که پژوهشگران در آن بزرگ شده‌اند، می‌باشد. به طور کلی به نظر می‌رسد در سنت غربی تمرکز بر محدود نمودن مفهوم خرد بر ویژگی‌های شناختی مانند دارا بودن یک پایگاه داده‌های دانش گسترده و مهارت پردازش اطلاعات کارآمد برای کاربرد این دانش است (عقلانیت و دانش). در مقابل، سنت شرقی، از بیان صریح بخش‌های خرد اجتناب می‌کند اما بر فرایندهای متغیر و تلفیقی کل خرد تأکید می‌ورزد (بخش معنوی خرد، احساسات و شهود). برای نمونه، آردلت (۲۰۰۸) نیز در پژوهش بین فرهنگی که میان دانشجویان ۱۸ تا ۲۱ ساله آمریکایی و اسلواکی انجام داده است، به این نتیجه رسید که بر اساس مقیاس سه بعدی خرد، دانشجویان آمریکایی برابعد شناختی و تاملی خرد تأکید زیادی داشتند و بر بعد عاطفی خرد تأکید کمتری تا دانشجویان اسلواکی. دانشجویان هر دو کشور، در هیجان‌ات مثبت نسبت به دیگران نمرات بالایی داشتند؛ با این وجود، دانشجویان آمریکایی به طور قابل توجهی، در بعد تاملی بالاتر از دانشجویان اسلواکی بودند. بنابراین به نظر می‌رسد حتی اگر ایده اصلی از خردمندی به عنوان یک نقطه پایانی آرمانی تحول انسان تا حد زیادی همگانی باشد، برخی از معانی خاص خردمندی ممکن است در فرهنگ‌ها متفاوت باشد و با تاریخ تغییر کند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۴). از این منظر، خرد را نه تنها به عنوان دانش عملی بلکه سطح بالایی از درک و فهم پیش رونده که حوزه‌های شناختی مختلف را تلفیق می‌کند، در نظر می‌گیرد. تصور کلی شرقی از خرد، اساساً به معنای تلویحی درک و فهم تاملی است که از تجربه و وزن برابر دادن به حوزه‌های آگاهی شناختی، شهودی و بین فردی، نشأت می‌گیرد (تاکاهاشی و اورتون (۲۰۰۵)). اگرچه ذات خرد جهانی است، تجلی عینی خرد وابسته به زمینه‌های خاص بوده و بستگی به سطح و سبک درک و فهم افراد دخیل در آن دارد. این پارادوکس می‌تواند چرایی تجلی متفاوت خرد در بین فرهنگ‌ها را تبیین کند (تاکاهاشی، ۲۰۱۲). برای نمونه، در پژوهشی بین فرهنگی تاکاهاشی و بردیا (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های فردی ایده آل در نمونه‌های شرقی و غربی متفاوت است. دانشجویان آمریکایی و استرالیایی کلمات با هوش و عاقل، و ژاپنی‌ها خردمند و معقول و باملاحظه را به عنوان صفات یک فرد ایده آل در نظر گرفتند. صاحب‌نظران و پژوهشگران در کنار تعریف خرد، برای سنجش آن نیز کوشیده‌اند. در

اغلب کوشش‌ها برای ابزارسازی از روش توصیفی - رتبه بندی استفاده شده است (بلوک و گلوک، ۲۰۰۵). چنین بررسی‌هایی (برای نمونه، بلوک و گلوگ، ۲۰۱۰، گلوک و همکاران، ۲۰۱۰) معمولاً در دو مرحله انجام می‌شوند.

در مرحله اول، به شرکت کنندگان فهرست‌هایی از صفات مرتبط با خردمندی ارائه می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند تا به رتبه‌بندی صفات پردازند. پس از حذف صفات منحصر به فرد و مترادف، صفات به جای مانده در یک فهرست اصلی ادغام شده به گروه نمونه دیگری با حجم بیشتر ارائه می‌شود و از آنها خواسته می‌شود که صفات را با توجه به اهمیتی که هر واژه برای مفهوم خردمندی دارد، رتبه بندی کنند. در ادامه، روش‌هایی نظیر رتبه بندی چند بعدی یا تحلیل عاملی برای استخراج عناصر زیربنایی این رتبه بندی استفاده می‌شود تا بر اساس معمول‌ترین ویژگی نامگذاری شوند. یکی دیگر از روش‌هایی که برای سنجش خردمندی استفاده شده (بالتز و استادینگر، ۲۰۰۰) این است که به شرکت کنندگان داستان‌های فرضی درباره مسایل مبهم و چالش‌انگیز زندگی ارائه می‌شود، سپس از آن‌ها خواسته می‌شود تا به شیوه "تفکر با صدای بلند" مساله را حل کنند. به منظور کمی سازی کیفیت عملکرد، تعدادی از داوران آموزش دیده، راه‌حل‌های پاسخ دهندگان را در یک مقیاس هفت بخشی ارزیابی کنند. استرنبرگ نیز برای سنجش خردمندی، از شرکت کنندگان می‌خواهد کیفیت تعدادی از راه‌حل‌های احتمالی برای داستان‌های تصویری که بر مبنای مسایل دشوار زندگی ساخته شده‌اند، رتبه بندی کنند. سپس رتبه بندی شرکت کنندگان با رتبه بندی کارشناسان مقایسه می‌شود (استرنبرگ، ۲۰۱۰). آردلت (۲۰۱۱) برای سنجش خردمندی، "مقیاس سه بعدی خردمندی" را ارائه کرد. این مقیاس خودارزیابی سه بعد خردمندی را می‌سنجد. وبستر (۲۰۰۷) یک پرسشنامه خود ارزیابی خرد ساخت. مرور تحقیقات مربوط به خرد نشان می‌دهد که تلاش‌های کمی برای ساخت و اعتباریابی مقیاس‌های خودارزیابی در دنیا انجام شده‌است. زیرا اکثریت اعتقاد دارند که چون خرد یک دانش نهان در عملکرد است بنابراین نمی‌توان آن را با پرسشنامه‌های چندگزینه‌ای سنجید (استرنبرگ، ۲۰۱۰). بنابراین، با توجه به تعریف‌های گوناگون از خرد و اینکه در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت مؤلفه‌های مختلفی به دست آمده است، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات است که تعریف خرد و مؤلفه‌های آن بر اساس فرهنگ ایرانی

چيست؟ و بر اساس آن چطور می توان آنرا سنجید؟ ابزار سنجش خرد ایرانی از چه میزان روایی و پایایی برخوردار است؟

روش

با توجه به ماهیت پیچیده خردمندی و وابسته بودن آن به فرهنگ، سود بردن از روش ترکیبی می‌تواند تحلیل مناسبی را ارائه دهد. به همین دلیل در این پژوهش از روش ترکیبی^۱ استفاده شد. چرا که تشکری و تدلی^۲ (۲۰۰۳) روش‌های پژوهش ترکیبی را « سومین جنبش روش‌شناختی » نامیده‌اند که تقریباً سه دهه است که به آن پرداخته شده است. زیر بنای فلسفی این روش پراگماتیسم یا عمل‌گرایی است. طرح‌های اصلی روش‌های ترکیبی عبارتند از: طرح همسوسازی یا مثلث‌سازی^۳، طرح تودر تو یا لانه‌کردن^۴، طرح تبیینی^۵ و طرح اکتشافی^۶. در این پژوهش از طرح اکتشافی استفاده شد. زیرا به دنبال اکتشاف تعریفی متناسب با فرهنگ ایران از خرد و مؤلفه‌های آن و ساخت ابزاری بر آن اساس است. این پژوهش در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در مرحله کیفی، از روش پژوهش پدیدارشناختی سود برده شد (پدیدارشناسی، علم مطالعه، توصیف و تفسیر دقیق پدیده‌های گوناگون زندگی است که بر تمام حوزه‌های تجربی تأکید دارد. در پژوهش پدیدارشناسی تجربیات، برداشت‌ها و احساسات افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد (ادیب حاجی باقری، سرور، سلسالی، ۱۳۹۰). جامعه آماری شامل اساتید دانشکده علوم انسانی دانشگاه‌های بوعلی، آزاد و پیا نور و در مرحله کمی، جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه‌های آزاد، بوعلی سینا و پیام نور بودند. در مرحله کیفی، نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و بر اساس اشباع نظری بود بدین منظور حجم نمونه در مرحله اول (کیفی) بر اساس اشباع نظری ۲۰ نفر از اساتید دانشکده علوم انسانی انتخاب شدند (مشارکت‌کنندگان شامل ۸ زن و ۱۲ مرد و در محدوده سنی ۴۰-۵۰ سال بودند). در مرحله دوم که کمی بود نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفت.

1. Mixed method
2. Tashakkori & Teddlie
3. Triangulation Design
4. Embedded Design
5. Explanatory Design
6. Exploratory Design

براین اساس، حجم نمونه بر اساس تعداد سوالات آزمون انتخاب شدند. چون تعداد سوالات آزمون ۴۰ تا بود به ازاء هر سوال ۱۰ نفر انتخاب شدند. بنابراین در مرحله دوم تعداد ۴۰۰ نفر در پژوهش شرکت کردند.

ابزار پژوهش در مرحله اول (کیفی) مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته بود. سوالات مصاحبه از فرم مصاحبه خرد (فراری ۲۰۱۲) ترجمه و اقتباس شد. روایی صوری سوالات ترجمه شده به کمک سه نفر از اساتید روان شناسی دانشگاه بوعلی سینا مورد تایید قرار گرفت. بخشی از سوالات مصاحبه عبارت بودند از: ۱- یک دقیقه در مورد خردمندترین فردی که می شناسید؛ فکر کنید. (این شخص کیست؟ چه ویژگی هایی این شخص را خردمند کرده است؟) ۲- خرد چیست؟ به نظر شما معنای خرد را چگونه می توان توضیح داد؟ ۳- نمونه ای از کارهای خردمندانه خود را توضیح دهید؟ به نظر شما این کارها چه ویژگی هایی داشته‌اند، که آن‌ها را خردمندانه می‌دانید؟

روش اجرا، پس از هماهنگی‌های لازم با آموزش و حراست دانشگاه‌های آزاد، بوعلی سینا و پیام نور، بخش کیفی تحقیق که مصاحبه با اساتید دانشکده علوم انسانی دانشکده‌های آزاد، بوعلی سینا و پیام نور بود، آغاز شد. مصاحبه در وقت آزاد اساتید و زمان انجام همه مصاحبه‌ها در صبح در فاصله ساعات ۹ الی ۱۱:۳۰ البته با توافق مشارکت کنندگان بود. مدت مصاحبه از ۲۰ تا ۳۰ دقیقه متغیر بود (مصاحبه در اتاق اساتید یا در یک کلاس انجام می‌شد). پس از پایان هر مصاحبه، پژوهشگر چندین بار به آن گوش می‌داد و پس از آن مصاحبه بصورت کامل نوشته می‌شد. سپس از افراد متخصص به غیر از پژوهشگران، خواسته شد که متن پیاده شده را با مصاحبه تطبیق دهند، که مطمئن شویم، مصاحبه به درستی نوشته شده است. در ارزیابی تحقیقات کیفی اگر چه بر اصول پارادایمی حاکم بر تحقیقات اتفاق نظر وجود دارد ولی در ارزیابی عملی و به کار گیری مفاهیم مربوط به آن، اتفاق نظری نیست و برخی اندیشمندان از مفاهیمی شبیه به تحقیقات کمی استفاده کرده‌اند (حریری، ۱۳۸۵). در تحقیقات کیفی، وسیله‌ی اندازه‌گیری خود محققان هستند؛ پس در اعتبار آنان نیز باید مهارت، دقت و صلاحیت شان در نظر گرفته شود (حریری، ۱۳۸۵). برای اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، اقدامات مختلفی صورت گرفت. نخست بعد از پیاده سازی اولیه، کد گذاری مصاحبه‌های انجام شده به وسیله چند محقق صورت گرفت و اختلافات موجود شناسایی و رفع، و این مقولات توسط اساتید

راهنما و مشاور پژوهش ارزیابی و تایید شد و بعد مقولات و زیر مقولات استخراج شده با برخی از مشارکت کنندگان در پژوهش در میان گذاشته شده و دیدگاه‌های آنها مورد بررسی قرار گرفته و تایید نهایی شدند. برای تعیین پایایی از روش بازبینی توسط محقق و همکاران استفاده شد. به این ترتیب که محقق ویژگی‌های فرد خردمند را از دیدگاه مشارکت کنندگان به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد. مستقیم، ویژگی‌هایی بودند که مشارکت کنندگان مستقیماً و به طور واضح به عنوان ویژگی‌های فرد خردمند آورده است؛ و منظور از غیر مستقیم، ویژگی‌های افراد خردمندانه است که مشارکت کنندگان در ضمن توضیح تصمیمات خردمندانه‌ای خود یا دیگران به آن اشاره کرده‌اند. ویژگی‌های مستقیم و غیر مستقیم در حدود ۹۰٪ با هم توافق داشتند. همچنین متن پیاده شده مراحل تجزیه و تحلیل توسط چند نفر از افراد صاحب نظر مورد بررسی مجدد قرار گرفت. این روش بر اساس ملاک‌های لینکن و گوبا (حریری، ۱۳۸۵) انجام شد. این روش دارای مولفه‌هایی است که در ادامه توضیح داده شده است.

۱- یادگیری طولانی مدت: چون پژوهشگر با مشارکت کنندگان همکار بود؛ با آنها ارتباط مناسب داشت، به نحوی که با آنها حدود ۶،۵ ماه در مورد مراحل تجزیه و تحلیل و مولفه‌های به دست آمده تبادل نظر می‌کردند.

۲- بازبینی توسط همکاران: تعامل بین پژوهشگر و سایر افرادی است که در زمینه‌ی روش‌های پژوهش تجربه دارند (برای نمونه همکاران پژوهش)

۳- بازبینی توسط مشارکت کنندگان: بر همین اساس پژوهشگر برخی از مشارکت کنندگان خواست تا با تجربیات و تکمیل گفته‌های خود، دقت نظر خود را تایید کنند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای آشکار برای استخراج مؤلفه‌ها استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها به این صورت بود که متن مصاحبه‌های ضبط شده، بصورت نوشتاری ثبت شدند. کدگذاری در سه مرحله انجام شد: ۱- کدگذاری باز (شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقه‌های اولیه)، ۲- کدگذاری محوری (شامل طبقه بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیر طبقات، تشکیل طبقات نهایی)، ۳- کدگذاری گزینشی (یکپارچه کردن مقولات برای ساخت نظری) (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در ابتدا و در قالب مرحله کدگذاری باز، به هر

مفهوم موجود در مصاحبه یک بر چسب داده می‌شد و بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، تعداد زیادی کدهای باز و خام پدیدار شدند. در ادامه و در مرحله کد گذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و خصایص مرتبط بودند، گردآوری شده و به محوریت یک مقوله سازماندهی شدند. بدین ترتیب پس از فرایند خرد کردن مصاحبه‌ها به کدها و زیر مقوله‌ها در کد گذاری باز، در این مرحله (کد گذاری محوری) به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد. کد گذاری گزینشی نیز با استفاده از گزینش مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله با هدف یکپارچه سازی و پالایش داده‌ها، به منظور پدیداری مقوله‌ی اصلی و نظریه انجام می‌شود. در کد گذاری گزینشی تلاش می‌شود انتخاب مقوله‌ها به گونه‌ای صورت پذیرد که مقوله‌ی اصلی استخراج شده، عمده‌ی مفاهیم پدید آمده در مراحل قبل را پوشش دهد (استرواس و کورین، ۱۹۹۸). برای نمونه از ترکیب کدهای «توانایی دیدن مسایل از بالا»، «بینش کلی و عمیق نسبت به مسائل»، «اهمیت به خوشبختی خود و تک تک افراد جامعه»، «به دنبال هدف و معنای زندگی بودن» مولفه کلی «از خود فرآوری/ هدفمندی و جستجوی معنا» شکل گرفت. سایر مولفه‌ها به همین شیوه به دست آمدند و برای نمایش بهتر، نتایج در جداول ارائه شده‌اند. برای تعیین میزان توافق کدگذاران، ضریب کاپا محاسبه شد. اندازه توافق کاپا ۰/۷۸٪ به سطح معناداری $p < 0/001$ به دست آمد که این توافق خوب محسوب می‌شود (اسپانگل^۱ و دیگران، ۲۰۰۵؛ نقل از حریری، ۱۳۸۵).

در مرحله دوم براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مصاحبه یک آزمون ۴۰ سوالی ساخته شد (آزمون محقق ساخته) که از از چهار مولفه: از خود فرآوری، گشودگی به تجربه، شناختی و عاطفی تشکیل شده است. روایی این آزمون از طریق تحلیل عاملی تاییدی به دست آمد و همچنین روایی این آزمون از طریق همبستگی با آزمون خرد آردلت بررسی شد (۰/۶۷). روایی محتوایی این آزمون حدود ۰/۷۸٪ از طریق همبستگی بین نظرات چهار استاد روان شناسی صاحب نظر به دست آمد. پایایی کل این آزمون از طریق ضریب آلفای کرانباخ ۰/۹۳ شد و پایایی عامل اول (مولفه شناختی) ۰/۸۵، عامل دوم

(مؤلفه عاطفی) ۰/۸۷، عامل سوم (مؤلفه انعطاف پذیری و گشودگی به تجربه) ۰/۷۲ و عامل چهارم (مؤلفه از خود فراروی) ۰/۶۵ شد. همچنین پایایی این آزمون از طریق بازآزمایی ۰/۹۷ به دست آمد.

نتایج

در مرحله اول پژوهش (بخش کیفی)، براساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها (جدول ۱) با اساتید دانشگاه‌های همدان در مورد خرد چهار مؤلفه به دست آمد که عبارت‌اند از: ۱- مؤلفه «شناختی» (قدرت تجزیه و تحلیل داشتن، آگاهی و تجربه زیاد و درک عمیق تجربیات زندگی)، ۲- مؤلفه «عاطفی» (کنترل کردن احساسات خود در تصمیم‌گیری و موقعیت‌های زندگی، شناخت و حساسیت نسبت به احساسات خود و دیگران و همدلی و خدمت کردن به خود و دیگران)، ۳- مؤلفه «انعطاف‌پذیری و گشودگی به تجربه» (استقبال از تجربیات و نظرهای مختلف حتی در تضاد با نظر خود و دیدن مسایل از جنبه‌های مختلف و انعطاف‌پذیری در زندگی)، ۴- مؤلفه «از خود فراروی / هدفمندی و جستجوی معنا» (فرا رفتن از خود چه به لحاظ شناختی چه به لحاظ عاطفی و توجه به هدف و معنای زندگی)

جدول ۱. مؤلفه‌های استخراج شده از مفهوم خرد از دید اساتید دانشگاه

۳	از خود فراروی / هدفمندی و جستجوی معنا	شناختی	عاطفی	انعطاف‌پذیری و گشودگی به تجربه
توانایی دیدن مسائل از بالا، پیش‌کنی و عمیق نسبت به مسائل، اهمیت به خوشبختی خود و افراد جامعه، فرا رفتن از حوزه جزئیات و ظواهر، جامع‌نگر بودن، یک‌جور فراشناخت داشتن، عاشق بودن که از مراتب بالای خردمندی است، خرد آمیخته با ایمان داشتن،	قدرت تجزیه و تحلیل داشتن، بطور عقلانی و با نیروی برهان تصمیم گرفتن، آگاهی داشتن و استفاده از آن در عمل، هر چیزی را با دلیل و مدرک پذیرفتن، بر اساس تجربه و اطلاعات حرف زدن، تفکری بسیار عمیق داشتن، بر	کنترل کردن احساسات، در خدمت خود و دیگران بودن، هیچ چیز خوبی را تنها برای خود نخواستن، همیشه در رفتار وقار و در صحبت آرامش داشتن، تاثیر نگذاشتن هیجانات در تصمیمات، گذشت زیاد داشتن، احترام به همه نظرها حتی آنهایی که مخالف نظر خود است،	انعطاف پذیر بودن، استفاده مناسب از همه تجربه‌ها برای حل مساله، خشک مغز نبودن، سعی در دیدن موقعیت یا مساله از زوایای گوناگون، یک بعدی نبودن، خود را در بند یک نظریه قرار ندادن، موقع	

ظاهر بین نبودن، اهداف اساس عقل و منطق حس حسادت و انتقام بحث و مشکل همه صرفاً مادی نداشتن، زندگی را اداره کردن جویی کمی داشتن، سعی به همه نظرات اهداف صحیح انسانی، خوب فکر کردن و کردن به اینکه گفتار و گوش کردن و داشتن، از امکانات برای سنجیده صحبت رفتار باعث آزار کسی یا شنیدن نظرات رسیدن به هدف نهایت کردن، دانش و تجربه چیزی نشود، زندگی سالم مخالف استفاده کردن زیاد، مهارت در حل داشتن، صبر زیاد داشتن

مساله

جدول ۲. بخش هایی از مصاحبه در مورد مؤلفه های استخراج شده

مؤلفه ها

۱- البته خرد امری نسبی است اگر بخواهیم بگوییم که خرد در آخرش می خواهد از انسان، انسان کاملی بسازد؛ نمونه اش مولوی است. مولوی از خرد استفاده کرد و بعد به عشق رسید. عشق مبتنی بر خرد است. خرد فقط حیطه عالم را می تواند جستجو کند؛ آنچه که محسوس است. در مراتب بالا باید عاشق شد و به عشق رسید و اینکه مولوی می فرماید:

پای استدالیون چوبین بود پای جوبین سخت بی تمکین بود

(قسمتی از مصاحبه با استاد ادبیات فارسی)

۲- خردمند کسی است که عقلش بر سرزمین وجودش یعنی بر قوا حاکم است. غضب، شهوت وهم را کنترل می کند. کلی نگر است، این کلی نگری در منش و رفتارشان دیده می شود؛ اسیر جزئیات نیستند، نه اینکه نسبت به مسائل روزمره بی تفاوت هستند، اتفاقاً به مسائل روز و خبرها اهمیت می دهند. ولی اجازه نمی دهند این مسائل ذهن آنها را پر کنند. و دیدگاهی که اکثریت دارند، آنها هم آن دیدگان را داشته باشند. از بالا به مسائل نگاه می کنند محور قضاوتشان سود خود یا اکثریت نیست. آنها اهداف والای انسانی دارند و بر اساس آن عمل می کنند. در سطوح بالا این اهداف با ایمان آمیخته است. آنها به نقش مهم خود به عنوان انسان در جهان هستی آگاه هستند و سعی می کنند معنای واقعی زندگی را دریابند.

(قسمتی از مصاحبه با استاد ادبیات فارسی)

۱- خردمند کسی است که بر برهان بایستد و سعی کند هر چیزی را با برهان عقلانی و نیروی استدلالی به آن برسد. فرد خردمند قدرت تجزیه و تحلیل دارد و می تواند مسائل پیرامون خود را راستی آزمایی کند. از روی آگاهی و دانش حرف می زند. در مورد مطالبی که اطلاعات و تجربه ندارد صحبت نمی کند. سعی می کند تجربه هایش و اطلاعاتش را عمیقاً درک کند.

(قسمتی از مصاحبه با استاد حقوق)

۲- انسان خردمند در هر موقعیتی که قرار می گیرد اول فکر می کند، عجلولانه تصمیم نمی کند اهل تأمل است سعی می کند بر اساس تجربه و دانش خود تصمیم بگیرد. اگر تجربه ای نداشت مشورت می کند با افراد مطلع و آگاه و بزرگتر از خود که تجربه دارند. بدون دلیل و مدرک هیچ چیزی را نمی پذیرد و همیشه یک شک دارد و تلاش می کند به شناخت برسد.

(قسمتی از مصاحبه با استاد علوم تربیتی)

۱- فرد خردمند در خدمت خودش و دیگران است و ضررش به کسی نمی‌رسد. در موجودش حسادت و کینه کم است حتی به دشمنش هم بدی نمی‌کند. آرامشی در وجودش هست و صبر زیاد دارد. برای مردم و جامعه خود از خود گذشتگی زیاد دارد. می‌گویند: حضرت مولانا آنقدر درایت داشته است و با مردم بوده است و آزارش به کسی نمی‌رسیده که موقع تشییع جنازه اش از مسلمان و غیرمسلمان در ترکیه امروزی آمده بودند.

(قسمتی از مصاحبه با استاد ادبیات)

۲- فرد خردمند کسی است که آنچه را می‌داند به آن عمل می‌کند و نمی‌گذارد احساساتش در تصمیم و رفتارش اثر بگذارد. مثلاً اگر عصبانی است تصمیم نمی‌گیرد سعی می‌کند کاری انجام دهد که به منفعت همه باشد هیچ چیز را تنها برای خودش نمی‌خواهد. رفتار خردمندانه یک استاد این است که علاوه بر تدریس ببیند دانشجویی که برای درس خواندن با مانع روبرو است با او صحبت کند، کمکش کند، نگذارد ترک تحصیل کند، نگذارد نیروی جوانی اش هدر برود، این‌ها سرمایه‌های جامعه ما هستند، از آن‌ها باید مواظبت کنیم.

(قسمتی از مصاحبه با استاد معارف)

فالمطبی

مؤلفه‌ها

۱- افراد خردمند معمولاً در بحث‌ها سعی می‌کنند همه نظرات رو خوب بشوند، سریع قضاوت نمی‌کنند، حتی از افرادی که خوششان نمی‌آید و یا نظرشان با نظر او مخالف است احترام می‌گیرند. هیچ وقت فقط نظر خود را ملاک قرار نمی‌دهند در تصمیم‌گیری‌ها اهل مشورت هستند. وقتی با مشکلی مواجه می‌شوند به آن به عنوان یک تجربه جدید نگاه می‌کنند و به اعتماد به نفسی که دارند خیلی نگران نیستند. و سعی می‌کنند به مساله از زوایای مختلف نگاه کنند تا به بهترین وجه آن را حل کنند.

(قسمتی از مصاحبه با استاد روانشناسی)

۲- افراد خردمند معمولاً کمتر حرف می‌زنند بیشتر گوش می‌کنند. در مهمانی‌ها، بحث‌هایی که پیش می‌آید، آنها می‌خواهند همه نظرات را بشوند، تک بعدی نیستند، انعطاف‌پذیر هستند به قول معروف خشک مغز نیستند. خیلی موقعیت سنج هستند و معمولاً از بحث‌ها جمع‌بندی‌های خوبی ارائه می‌دهند.

(قسمتی از مصاحبه با استاد الهیات)

انعطاف‌پذیری و گشودگی به تجربه

در مرحله دوم پژوهش (بخش کمی)، نتایج نشان داد که ۲۷۱ نفر (۵۴ درصد) از دانشگاه آزاد و ۱۸۳ نفر (۴۶ درصد) از دانشگاه دولتی در پژوهش شرکت کردند. در این میان، ۹۰ درصد (۳۶۲ نفر) از دانشجویان مورد مطالعه در رشته‌های علوم انسانی، ۴ درصد (۱۶ نفر) در رشته‌های علوم پایه و ۶ درصد (۲۲ نفر) در رشته‌های فنی مهندسی تحصیل می‌کردند. همچنین ۳۰ درصد (۱۱۹ نفر) از نمونه آماری مورد مطالعه مرد و ۷۰ درصد زن (۲۸۱ نفر) بودند. به منظور بررسی نورمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگراف-اسمیرونف سود برده شد ($\text{sig} = ۰/۰۰۹, \text{K-S} = ۱/۱$). برای بررسی امکان عاملی شدن سوالات، از آزمون بارتلت و KMO و نمودار سنگریزه استفاده شد. براساس مقدار آزمون

بارتلت سطر اول و سطح معناداری (۰/۹۱۸ و ۰/۰۰۰۱) پرسشنامه خردمندی، مقدار واریانس درون داده‌ها می‌تواند توسط عوامل تبیین شود. با توجه به داده‌های جدول (۳) در مقیاس خردمندی چهار عامل قابل تعریف وجود دارد. بنابراین براساس داده‌های جدول (۴) سوالات مربوط به هر عامل به شرح ذیل است: عامل اول (شامل سوالات ۲-۳-۴-۵-۴۰-۳۲-۲۱-۲۰-۱۵-۱۴-۱۰-۸-۶) با عنوان «بعد عاطفی»، عامل دوم (شامل سوالات ۱-۳۰-۲۹-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۱۹-۱۷-۱۶-۱۳-۱۲-۹-۷) با عنوان «بعد شناختی»، عامل سوم (شامل سوالات ۲۶-۲۷-۲۸-۳۵-۳۶-۳۸) با عنوان «بعد انعطاف‌پذیری» و عامل چهارم (شامل سوالات ۱۱-۱۸-۳۱-۳۳-۳۴-۳۷-۳۹) با عنوان «بعد از خود فرا روی» نامگذاری شدند.

جدول ۳. جدول تبیین واریانس کلی

جمع واریانس	مقادیر ویژه واریانس تراکمی	جمع واریانس تراکمی	استخراج مجموع مربع عامل‌ها
۱۰/۸۴	۲۷/۰۹	۱۰/۸۴	۲۷/۰۹۹
۲/۱۲	۳۲/۳۹	۲/۱۲	۳۲/۳۹
۱/۸۴	۳۷/۰۰۶	۱/۸۵	۳۷/۰۰۶
۱/۵۴	۴۰/۸۵	۱/۵۴	۴۰/۸۵
۱/۴۱	۴۴/۳۸		
۱/۲۸	۴۷/۵۸		
۱/۱۷	۵۰/۵۲		
۱/۰۸۱	۵۳/۲۱		
۱/۰۰۶	۵۵/۷۴		
۰/۹۵	۵۸/۱۱		
۰/۹۴	۶۰/۴۶		
۰/۸۸	۶۲/۶۶		
۰/۸۵	۶۴/۸۱		
۰/۸۳	۶۶/۸۸		
۰/۸۱	۶۸/۸۸		
۰/۷۸	۷۰/۸۳		
۰/۷۶	۷۲/۷۲		
۰/۷۲	۷۴/۵۳		
۰/۶۹	۷۶/۲۴		

۷۷/۸۹	۱/۶۵	۰/۶۶	۲۰
۷۹/۴۸	۱/۵۸	۰/۶۳	۲۱
۸۱/۰۱	۱/۵۳	۰/۶۱	۲۲
۸۲/۴۶	۱/۴۵	۰/۵۸	۲۳
۸۳/۸۷	۱/۴	۰/۵۶	۲۴
۸۵/۲۷	۱/۴	۰/۵۶	۲۵
۸۶/۵۳	۱/۲۵	۰/۵۱	۲۶
۸۷/۷۸	۱/۲۴	۰/۴۹	۲۷
۸۸/۹۹	۱/۲۱	۰/۴۹	۲۸
۹۰/۱۲	۱/۱۳	۰/۴۵	۲۹
۹۱/۲	۱/۰۸	۰/۴۳	۳۰
۹۲/۲۷	۱/۰۶	۰/۴۳	۳۱
۹۳/۲۶	۰/۹۹	۰/۳۹	۳۲
۹۴/۲۳	۰/۹۶	۰/۳۸	۳۳
۹۵/۱۷	۰/۹۴	۰/۳۸	۳۴
۹۶/۰۹	۰/۹۲	۰/۳۷	۳۵
۹۶/۹۷	۰/۸۸	۰/۳۵	۳۶
۹۷/۸۴	۰/۸۶	۰/۳۵	۳۷
۹۸/۶۵	۰/۸۲	۰/۳۳	۳۸
۹۹/۴	۰/۶۸	۰/۲۸	۳۹
۱۰۰	۰/۶۶	۰/۲۶	۴۰

جدول ۴. ماتریس عامل‌ها

سؤالات	۱	۲	۳	۴
۱	۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۱۱
۲	۰/۵۳	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۰۸
۳	۰/۴۵	۰/۲۲	۰/۰۱	۰/۳۹
۴	۰/۵۸	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۸
۵	۰/۵۴	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۲۵
۶	۰/۴۲	۰/۰۵	۰/۳۶	۰/۲۲
۷	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۰۱	۰/۲۴
۸	۰/۶۱	۰/۳۱	-۰/۰۱	۰/۱۴
۹	۰/۲۱	۰/۶۳	۰/۰۱	۰/۱۸
۱۰	۰/۵۵	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۲۱
۱۱	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۱۱	۰/۳۲
۱۲	۰/۳۷	۰/۴	۰/۱۴	-۰/۰۹

۰/۳۲	۰/۴۳	-۰/۰۱	۰/۳۵	۱۳
۰/۴۸	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۰۵	۱۴
۰/۶۵	۰/۲۲	-۰/۰۲	۰/۰۸	۱۵
۰/۳۵	۰/۵۹	-۰/۰۴	۰/۱۱	۱۶
۰/۰۶	۰/۴۴	۰/۰۲	۰/۴۱	۱۷
۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۶۷	۱۸
۰/۲۹	۰/۴۱	۰/۳۴	-۰/۰۱	۱۹
۰/۶۱	۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۱۹	۲۰
۰/۴۹	۰/۲۷	۰/۲۵	-۰/۰۵	۲۱
۰/۰۶	۰/۷۴	۰/۱۶	۰/۰۶	۲۲
۰/۱۱	۰/۴۷	۰/۲۱	۰/۱۹	۲۳
۰/۲۴	۰/۵۷	۰/۲۵	۰/۰۶	۲۴
۰/۱۶	۰/۶۲	۰/۴۱	۰/۰۲	۲۵
۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۵۰	۰/۱۹	۲۶
۰/۳۸	۰/۱۹	۰/۴۷	۰/۱۷	۲۷
۰/۴۵	۰/۰۹	۰/۴۹	۰/۱۲	۲۸
۰/۱۱	۰/۷۲	۰/۱۶	۰/۱۹	۲۹
۰/۱۱	۰/۵۳	۰/۱۳	۰/۳۸	۳۰
۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۲۱	۰/۴۵	۳۱
۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۳۹	۳۲
۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۳۶	۰/۴۱	۳۳
۰/۰۷	۰/۱۸	-۰/۱۲	۰/۶۳	۳۴
۰/۰۵	۰/۲۵	۰/۶۴	-۰/۱۱	۳۵
۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۶۷	۰/۰۴	۳۶
۰/۱۲	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۴۱	۳۷
۰/۱۵	۰/۲۸	۰/۴	۰/۳۳	۳۸
۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۴۱	۳۹
۰/۴۸	-۰/۱۳	۰/۴۲	۰/۱۸	۴۰

برای بررسی روایی سازه آزمون از ضریب همبستگی درونی پرسشنامه سود برده شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین هر یک از سوالات آزمون با نتیجه آزمون در سطح ۰/۰۱ معنادار است (جدول ۵).

جدول ۵. همبستگی بین نمرات سوال های آزمون با نمره کل

سوال آزمون	خردمندی
۱	۰/۵۳
۲	۰/۵۰
۳	۰/۵۵

۰/۴۷	۴
۰/۴۹	۵
۰/۵۲	۶
۰/۶۲	۷
۰/۵۹	۸
۰/۵۵	۹
۰/۵۶	۱۰
۰/۵۲	۱۱
۰/۴۷	۱۲
۰/۵۰	۱۳
۰/۵۰	۱۴
۰/۵۴	۱۵
۰/۵۶	۱۶
۰/۴۶	۱۷
۰/۴۲	۱۸
۰/۵۴	۱۹
۰/۵۵	۲۰
۰/۵۳	۲۱
۰/۵۳	۲۲
۰/۴۹	۲۳
۰/۵۸	۲۴
۰/۶۱	۲۵
۰/۵۲	۲۶
۰/۶۰	۲۷
۰/۵۶	۲۸
۰/۶۰	۲۹
۰/۵۶	۳۰
۰/۴۸	۳۱
۰/۵۵	۳۲
۰/۳۸	۳۳
۰/۳۷	۳۴
۰/۴۰	۳۵
۰/۳۶	۳۶
۰/۵۵	۳۷
۰/۵۴	۳۸
۰/۵۵	۳۹
۰/۴۶	۴۰

کل ضرایب در ۰/۰۱ معنادار است. $N=400$

برای بررسی روایی سازه آزمون با آزمون های مشابه دارای پایایی و روایی، ضریب همبستگی این آزمون با آزمون آردلت محاسبه شد. بین نتایج دو آزمون خردمندی محقق ساخته و آزمون خردمندی آردلت ضریب همبستگی نسبتاً قوی مثبت وجود دارد. (جدول ۶). ($r = 0/65$ و $sig = 0/001$)

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین دو آزمون خردمندی و آردلت

متغیر مورد مطالعه	شاخص های آماری	آردلت
	ضریب همبستگی	۰/۶۵
خردمندی	معناداری	۰/۰۰۱
	تعداد	۴۳

همچنین ضریب پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش دو نیمه کردن نشان داد که آلفای کرونباخ برای کل آزمون و مولفه ها مورد تایید است و نشان از ضریب پایایی نسبتاً بالایی آزمون است (جدول ۷). همچنین مقادیر پایایی هر یک از بخش های آزمون و همبستگی بین دو آزمون در حد مطلوبی قرار دارد. بنابراین با توجه به نتایج دو روش پایایی مورد استفاده، می توان گفت آزمون خردمندی از اعتبار لازم برخوردار است (جدول ۸). پایایی آزمون بر اساس باز آزمایی (جدول ۹) نشان داد که بین نتایج دو مرحله آزمون خردمندی ضریب همبستگی مثبت وجود دارد ($r = 0/98$) و ($sig = 0/0001$).

جدول ۷. ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ

مقیاس	تعداد نمونه	تعداد آیتم ها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
کل آزمون (خردمندی)	۴۰۰	۴۰	۰/۹۴
مولفه اول (عاطفی)	۴۰۰	۱۳	۰/۸۴
مولفه دوم (شناختی)	۴۰۰	۱۴	۰/۸۷
مولفه سوم (انعطاف پذیری)	۴۰۰	۶	۰/۷۳
مولفه چهارم (از خود فراروی)	۴۰۰	۷	۰/۶۸

جدول ۸. ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیمه کردن

ضریب آلفای کرونباخ	بخش اول آزمون	۲۰ سوال اول	۰/۸۸
	بخش دوم آزمون	۲۰ سوال آخر	۰/۸۷
همبستگی بین دو بخش			۰/۷۹

جدول ۹. ضریب همبستگی پیرسون بین دو مرحله آزمون خردمندی

متغیر مورد مطالعه	شاخص‌های آماری	خردمندی مرحله دوم
	ضریب همبستگی	۰/۹۸
خردمندی مرحله اول	معناداری	۰/۰۰۰۱
	تعداد	۴۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه خرد در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به عنوان بزرگترین و بالاترین همه‌ی فضائل در نظر گرفته شده است (والش^۱، ۲۰۱۵). اما در محیط‌های فرهنگی مختلف، شکل‌های پویایی متفاوتی به خود می‌گیرد. از اینرو، این پژوهش به ساخت و اعتباریابی آزمون خرد بر اساس مؤلفه‌های ایرانی پرداخته است.

نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان داد که خرد از نگاه اساتید دانشگاه‌های همدان دارای ۴ مولفه است: «از خود فراروی / هدفمندی و جستجوی معنا»، «شناختی»، «عاطفی»، «انعطاف‌پذیری / گشودگی به تجربه». همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی چهار عامل را نشان داد؛ عامل اول (شامل سوالات ۲-۳-۴-۵-۶-۸-۱۰-۱۴-۱۵-۲۱-۲۰-۳۲-۴۰) با عنوان «بعد عاطفی»، عامل دوم (شامل سوالات ۱-۷-۹-۱۲-۱۳-۱۶-۲۹-۳۰-۲۵-۲۴-۲۳-۱۹-۱۷) با عنوان «بعد شناختی»، عامل سوم (شامل سوالات ۲۶-۳۸-۳۶-۳۵-۲۸-۲۷) با عنوان «بعد انعطاف‌پذیری» و عامل چهارم (شامل سوالات ۱۱-۳۹-۳۷-۳۴-۳۳-۳۱-۱۸) با عنوان «بعد از خود فرا روی». در این راستا می‌توان به برخی پژوهش‌ها اشاره کرد. برای نمونه، کردنوقایی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵) در پژوهشی در زمینه نظریه‌های ضمنی خرد در ایران نشان دادند که پنج مفهوم اصلی را می‌توان از تعریف خرد از نظر مردم به‌عنوان مؤلفه‌های خرد استخراج کرد که عبارت‌اند از: شناخت، همدلی / حمایت، دانش / انعطاف‌پذیری، خود تعیین‌گری / ابراز وجود و دین‌داری. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌ها و دلایل خردمند بودن از نظر مردم در هفت طبقه قرار دارد که عبارت‌اند از: ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط، رهبری، تفکر، علم، دین‌مداری و خانواده. در پژوهشی دیگر در زمینه دیدگاه سالمندان در مورد خرد، کردنوقایی، دلفان بیرانوند و عربلو (۱۳۹۴) نشان دادند که مفهوم خرد را می‌توان در قالب ۴ شکل مختلف

(دینداری، همدلی/حمایت، شناخت/علم، و شخصیت) بیان کرد. در پژوهش مرادی (۱۳۹۴) که با نمونه‌ای شامل ۶۶۸ دانشجو انجام گرفت، مشخص شد که از بین سرمایه‌های رشدی چهار توانایی با رشد خرد در سنین جوانی مرتبط است که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: هویت مثبت، ارزش‌های مثبت، استفاده سازنده از زمان و تعهد به یادگیری. کردنوقابی، کرمی، دلفان بیرانوند و نظری (۱۳۹۶) در پژوهش خود براساس شخصیت زال در شاهنامه نشان دادند که ویژگی‌های خردمند بودن شامل: (دین‌داری و اخلاق)، (تفکر/ آگاهی)، (ادراک حقایق و عدم ذهنیت‌گرایی/ فرافکنی)، (همدلی/ عاطفی و حمایت/ خدمت کردن)، (ارتباط و کسب تجارب و ارزش‌های فرهنگی) است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مفهوم خرد را می‌توان در قالب پنج بعد مختلف (معنوی، شناختی، تأملی، هیجانی، اجتماعی و فرهنگی) بیان کرد. نوقابی، جهان‌رشد و رضایی (۱۳۹۴) در پژوهشی در زمینه اعتبار یابی پرسشنامه سه بعدی خرد WS-3D، پرسشنامه از خود فراروی بزرگسالان ASTI و مقیاس ارزش‌های بنیادین FVS نشان دادند هر سه مقیاس خرد ابزارهایی روا و پایا هستند اما استفاده از هر یک از مقیاس‌های معرفی شده به هدف پژوهشگر و تعریف او از سازه خرد وابسته است. در پژوهشی در زمینه خرد، هوش و خلاقیت نشان داده شد که بین هوش کلی، هوش کلامی و هوش عملکردی و خلاقیت با خردشناختی و خرد عاطفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (کردنوقابی و دلفان بیرانوند، ۲۰۱۷). کردنوقابی و نبی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که بین هوش معنوی و خرد آردلت همبستگی معنادار وجود دارد.

براساس نتایج حاصل تحلیل محتوا، بعد از خود فراروی / هدفمندی و جستجوی معنا به (توانایی دیدن مسائل از بالا، بیشن کلی و عمیق نسبت به مسائل، اهمیت به خوشبختی خود و افراد جامعه، فرا رفتن از حوزه جزئیات و ظواهر، جامع نگر بودن، یک جور فراشناخت داشتن، عاشق بودن که از مراتب بالای خردمندی است، خرد آمیخته با ایمان داشتن، ظاهر بین نبودن، اهداف صرفاً مادی نداشتن، اهداف صحیح انسانی داشتن، از امکانات برای رسیدن به هدف نهایت استفاده کردن) اشاره دارد. در این راستا، پیترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) از خود فراروی را نیروی فراتر رفتن از خود و پیوند با یک کل بزرگ‌تر و دریافت معنی زندگی تعریف کرده‌اند. آن‌ها از خود فراروی را شامل توانمندی‌هایی

مانند تقدیر^۱ از زیبایی و کمال^۲، سپاسگزاری^۳، امید، شوخ‌طبعی، معنویت^۴ دانستند. لونسون و همکاران (۲۰۰۵) معتقد هستند به‌جای اینکه از خود فراروی را به‌عنوان یک صفت شخصیتی ثابت در نظر بگیریم، بهتر است به آن به شکل یک مسیر رشدی نگاه شود. «از خود فراروی یک فرایند رشدی است که مسیری برای دستیابی به خرد فراهم می‌آورد» (ص ۱۲۸). کرنو (۱۹۹۹، نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶) برای دستیابی به ازخودفرای چهار مرحله فرض کرده است: دانش خود^۵، انفصال^۶، یکپارچگی^۷ و از خود فراروی. از نظر یالوم (۱۹۸۰، ترجمه: حبیبی، ۱۳۹۰) از جمله فعالیت‌هایی که به زندگی معنا می‌بخشند و موجب فرا رفتن از خود می‌شوند، این موارد را ذکر می‌کند: نوع‌دوستی، فداکاری برای یک آرمان، خلاقیت و تعهد. داشتن معنا در زندگی حتی تحمل درد و رنج را آسان می‌کند (فرانکل، ترجمه: صالحیان و میلانی، ۱۳۹۴). در این پژوهش بعد شناختی به قدرت تجزیه و تحلیل داشتن، بطور عقلانی و با نیروی برهان تصمیم گرفتن، آگاهی داشتن و استفاده از آن در عمل، هر چیزی را با دلیل و مدرک پذیرفتن، بر اساس تجربه و اطلاعات حرف زدن، تفکری بسیار عمیق داشتن، بر اساس عقل و منطق زندگی را اداره کردن، خوب فکر کردن و سنجیده صحبت کردن، دانش و تجربه زیاد، مهارت در حل مساله) اشاره دارد. در این راستا آردلت (۲۰۱۴) بعد شناختی را شامل توانایی فرد در درک زندگی و میزان دانش او در این باره می‌داند. بر این اساس، بعد شناختی دانش درباره جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت بشر، محدودیت ذاتی این دانش و غیرقابل پیش‌بینی بودن و عدم قطعیت زندگی است.

سومین مولفه مهم خرد از نظر مشارکت کنندگان بعد عاطفی خرد است که به (کنترل کردن احساسات، در خدمت خود و دیگران بودن، هیچ چیز خوبی را تنها برای خود نخواستن، همیشه در رفتار و قار و در صحبت آرامش داشتن، تاثیر نگذاشتن هیجانات در تصمیمات، گذشت زیاد داشتن، احترام به همه نظرها حتی آنهایی که مخالف نظر خود

-
1. appreciation
 2. excellence
 3. gratitude
 4. spirituality
 5. Self-knowledge
 6. detachment
 7. integration

است، حس حسادت و انتقام‌جویی کمی داشتن، سعی کردن به اینکه گفتار و رفتار باعث آزار کسی یا چیزی نشود، زندگی سالم داشتن، صبر زیاد داشتن) اشاره دارد. این یافته همسو با بعد عاطفی آردلت (۲۰۱۴) است که شامل وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران و رفتارهای دلسوزانه و همدلانه با آنها است و نیز عدم وجود بی‌تفاوتی و هیجانات و رفتارهای منفی نسبت به دیگران است. چهارمین مولفه به دست آمده از این تحقیق انعطاف‌پذیری و گشودگی به تجربه است که به (انعطاف‌پذیر بودن، استفاده مناسب از همه تجربه‌ها برای حل مساله، خشک مغز نبودن، سعی در دیدن موقعیت یا مساله از زوایای گوناگون، یک بعدی نبودن، خود را در بند یک نظریه قرار ندادن، موقع بحث و مشکل همه به همه نظرات گوش کردن و شنیدن نظرات مخالف) اشاره دارد. در این راستا، وبستر (۲۰۰۷) گشودگی را استفاده از دیدگاه‌ها، اطلاعات و روش‌های متفاوت حل مسئله تعریف می‌کند. منظور از گشودگی، داشتن رویکردی باز برای تجربه‌های جدید است. در مدل تجربه‌های زندگی MORE (گلوک، بلوک، ۲۰۱۴) گشودگی یک جزء بسیار ضروری برای کسب خرد محسوب می‌شود. گشودگی یکی از منابع حیاتی است که به احتمال زیاد در افرادی که در سطوح بالای خرد قرار دارند دیده می‌شود (آردلت، ۲۰۱۱).

با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد انعطاف‌پذیری و گشودگی به تجربه پیش‌نیاز خردمندی است؛ و از خود فراروی بستری برای رشد خردمندی فراهم می‌کند. و فرایند خردمندی و نسبی بودن آن را در افراد نشان می‌دهد و اینکه خردمندان عقیده راسخ در مورد وجود هدفی والا در زندگی و معنای جهان دارند (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). بعد شناختی، که شامل هوش و خلاقیت و قدرت تجزیه و تحلیل است کمک می‌کند اطلاعات به خوبی پردازش شوند و معنای پنهان در تجربیات زندگی درک شود. هرچقدر این عامل در فرد قوی‌تر باشد، فرد معنای اطلاعات و تجربیات زندگی را عمیق‌تر درک می‌کند. بعد عاطفی همان حساسیت به هیجان‌های خود و دیگران و کمک به خود و دیگران است. بعدی است که فرد را به ارزش‌ها و اهداف والای انسانی، که قبلاً فرد از طریق شناختی به آنها رسیده است، حساس می‌کند و او را می‌دارد که در راه این ارزش‌ها و اهداف تلاش کند. و فرد هرچه بیشتر تلاش می‌کند و در مقابل سختی‌ها صبوری می‌کند از خود بیشتر

فرا می‌رود. در واقع بعد عاطفی کمک می‌کند که هر آنچه فرد می‌داند جامه عمل بپوشد و خردمندی حاصل شود. سطح اهداف و ارزش‌های فرد خردمند بنا به اینکه چقدر از خود فرا رفته است، که این از خود فراروی بستگی به قدرت سه بعد دیگر دارد، متفاوت است گاهی برای اهدافی تلاش می‌کند که منافع‌اش به خودش و خانواده‌اش می‌رسد، البته در این صورت هم همیشه اهداف را طوری تنظیم می‌کند که به کسی آسیب نزنند، گاهی اهداف بسیار والای انسانی را برای همه هستی دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد داشتن چنین اهداف سطح بالایی همیشه آمیخته با نوعی ایمان است.

منابع

- اسعدی، سمانه؛ امیری، شعله؛ حسین، مولوی. (۱۳۹۴). (تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی. مجله روانشناسی، دوره ۱۹، شماره ۱ (پیاپی ۷۳)؛ از صفحه ۳۷-۵۲.
- فرانکل، ویکتور. (۱۳۹۴). *انسان در جستجوی معنی*. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی. (چاپ سی و هفتم) تهران: درسا.
- کرد نوقابی، رسول و دلفان بیرانوند، آرزو. (۱۳۹۵). نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: یک بررسی پدیدارشناختی. پژوهشنامه روانشناسی اسلامی، دوره ۲ شماره ۳، ۷۸-۱۰۵.
- کرد نوقابی، رسول و دلفان بیرانوند، آرزو. و عربلو، زینب. (۱۳۹۵). دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد. روانشناسی پیری، دوره ۱ (۳)، ۱۸۷-۱۹۷.
- کرد نوقابی، رسول و نبی زاده، صفدر. (۱۳۹۶). تبیین خرد بر اساس هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی. پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۲۰ شماره ۱، ۷۶-۹۰.
- کرد نوقابی، رسول. (۱۳۹۶). روانشناسی خرد. تهران: ارجمند.
- کرد نوقابی، رسول، جهان، فائزه، رشید، خسرو، رضایی، اکبر. (۱۳۹۵). سنجش خرد در ایران: معرفی سه ابزار. اندازه‌گیری تربیتی. دوره ۶، (۲۲) ۱۲۲-۱۳۵.
- کرد نوقابی، رسول؛ کریمی، نسا؛ دلفان بیرانوند، آرزو؛ نظری، نجمه. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی ویژگی‌های رفتار خردمندان در شخصیت زال بر اساس مدل سه بعدی خرد آردلت. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱.

مرادی، شهریار. (۱۳۹۴). تدوین مدلی علی برای تبیین خرد بر مبنای دارایی‌های تحولی با وساطت بالندگی در دانشجویان دانشگاه‌های کرمانشاه. رساله دکتری دانشگاه بوعلی سینا. (استاد راهنما رسول نوقابی).

یالوم، اروین د. (۱۳۹۰). *روان‌درمانی انگزستانسیال*. ترجمه سپیده حبیب. تهران: نی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۰).

- Ardelt, M. (2008). Self-development through selflessness: The paradoxical process of growing wiser. Washington, D.C.: American Psychological Association.
- Ardelt, M. (2011). The Measurement of Wisdom: A Commentary on Taylor, Bates, and Webster's Comparison of the SAWS and 3D-WS. *Experimental Aging Research*, 37 (2), 241-255.
- Ardelt, M. (2011). The Measurement of Wisdom: A Commentary on Taylor, Bates, and Webster's Comparison of the SAWS and 3D-WS. *Experimental Aging Research*, 37 (2), 241-255.
- Ardelt, M. (2012). Self-Reported Wisdom and Happiness: An Empirical Investigation. *Happiness Stud*, 13, 481-499.
- Ardelt, M., & Oh, H. (2016). Correlates of Wisdom. *The Encyclopedia of Adulthood and Aging*.
- Ardelt, M. (2015). «Disentangling the relations between wisdom and different types of Well-Being in Old Age: Findings from a Short-Term Longitudinal Study». *Journal of Happiness Studies*.no. 24.Pp. 26-51. DOI 10.1007/s10902-015-9680-2
- Baltes, B. Smith, J. (2008). The Fascination of Wisdom Its Nature, Ontogeny, and Function. *Perspectives on Psychological Science*, 3 (1), 56- 64.
- Baltes, B. Ursula, M. Staudinger, A. (2000). A Metaheuristic (Pragmatic) to OrchestRATE Mind and Virtue Toward Excellence. *American Psychological Association, Inc.* 55 (1), 122-136.
- Baltes, P. B., & Smith, J. (2008). The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function. *Perspectives on psychological science*, 3 (1), 56-64
- Bergsma, A., & Ardelt, M. (2012). Self-reported wisdom and happiness: An empirical investigation. *Journal of Happiness Studies*, 13 (3), 481-499.
- Bluck, S. & Glück, J. (2005). From the inside out: People's implicit theories of wisdom. In R.J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp.84-109). Cambridge: Cambridge University Press.
- Gluck, J. & Bluck, S. (2014). The MORE Life Experience Model: A Theory of the Development of Personal Wisdom. In M. Ferrari & N. M. Weststrate (Eds.), *The Scientific Study of Personal Wisdom*. (pp. 264-295). New York: Springer.

- Gluck, J. and Bluck, S. (2010). Laypeople's conceptions of wisdom and its development: Cognitive and integrative views. *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*,
- Gluck, J., Bischof, B. and Siebenhuner, L. (2010). "Knows what is good and bad," "Can teach you things," "Does lots of crosswords": Children's knowledge about wisdom. *European Journal of Developmental Psychology*
- Kord Noghabi, R., Delfan Beiranvand, A. (2017). Wisdom, Intelligence, Creativity. *International Journal of Education and Learning*. Vol.6, No.2, pp.1-20
- Kunzmann, U. & Baltes, P. B. (2003). Wisdom-related knowledge: Affective, motivational, and interpersonal correlates. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 1104-1119.
- Levenson, M. Jennings. P. A. Aldwin, C. M. & Shiraishi, R. W. (2005). Self-transcendence: conceptualization and measurement. *International Journal of Aging and Human Development*, 60 (2) 127-143.
- Peterson, Christopher and Seligman, Martin. (2004). *Character strengths and virtues*. Oxford University Press.
- Staudinger, U. M. Gluck, J. (2011). Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Annu. *Rev. Psychol*, 62, 215-241.
- Sternberg, r. (2004). What Is Wisdom and How Can We Develop It? *Annals, AAPSS*, 591, 164-174.
- Sternberg, R. J. (2010). WICS: a new model for school psychology. *Sch. Psychol. Int.* 31, 599-616.
- Takahashi, M. (2012). Wisdom of the East and West: A relational developmental system perspective. In M.Ferrari & N.Weststrate. *The scientific study of personal wisdom*. New York Springer.
- Takahashi, M., & Overton, W. F. (2005). Cultural foundations of wisdom: An integrated developmental approach. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp. 32-60). New York, NY: Cambridge University Press.
- Takahashi, M., & P. Bordia (2000). «The concept of wisdom: A crosscultural comparison». *International Journal of Psychology*.no. 35. Pp.1- 9.
- Tashakkori & C. Teddlie. (2003). *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research* (pp. 321350), Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Walsh, R. (Ed.). (2014). *The world's great wisdom*. Albany, NY: Suny Press.
- Walsh, R. (2015). What is wisdom? Published in *Review of General Psychology*.
- Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *International Journal of Aging and Human Development*, 65 (2) 163-183.
- Yang, S. Y. (2011). Wisdom displayed through leadership: Exploring leadership-related wisdom. *The Leadership Quarterly*, 22, 616-632.
- Yang, S. Y. (2014). Wisdom and Learning from Important and meaningful Life Experiences. *Journal of Adult Development*, 21 (3), 129-146.